

ناتو- روسیه؛ شرکای راهبردی آینده

عنوان این مقاله، قریب به عنوانی است که آقای اندرس فوگ راسموسن (*Anders Fogh Rasmussen*) دبیرکل ناتو در جریان سفر اخیرش به مسکو (25 تا 26 آذرماه 88) برای عنوان سخنرانی‌اش در "مؤسسه مطالعات سیاسی روسیه" برگزیده بود. در روزهای پایانی سال گذشته و در آستانه ورود به سال 2010 و در حالی که بحران گرجستان می‌رفت تا بازگشت مجدد ابرتاریک جنگ سرد را بر منطقه بگستراند سفر آقای راسموسن، دبیرکل جدید ناتو، که هم‌زمان ریاست شورای همکاری ناتو-روسیه (*NATO-Russia Council*)، شامل بیست‌وهشت کشور اروپایی به‌اضافه روسیه را نیز عهده‌دار است، به روسیه، مفهوم خاصی از روابط بین‌الملل را در سطح اقطاب پی‌جوی سلطه بر جهان تداعی می‌نماید. مفهومی که در بیان دبیرکل ناتو از منظورش از سفر به روسیه تبلور دارد. وی هدف از سفرش را تحقق یکی از اولویت‌های کاری وی، که تبدیل روابط روسیه و ناتو به روابط دو شریک راهبردی واقعی می‌باشد، برشمرد.

نگران باشد. در عین حال، وی به وجود نگرانی‌هایی بین دوطرف اذعان نموده و با ژستی دلسوزانه اظهار امیدواری می‌کند که با رفع برخی نگرانی‌های موجود و برقراری اعتماد کامل بین روسیه و غرب، منابع مسکو صرف تهدیدات واقعی علیه روسیه گردد. تهدیداتی که به اعتقاد وی از تروریسم، افراط‌گرایی، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و مواد مخدر ناشی می‌گردد که عیناً مشابه موضوعات تهدیدآفرین برای غرب می‌باشد و لذا می‌تواند موضوع کار مشترک بین روسیه و شورای همکاری ناتو باشد. به زبانی تحلیلی، آقای راسموسن با این بیان چارچوبی برای وظایفی که روسیه باید در مشارکت با ناتو عهده‌دار شود را تعیین می‌نماید و به گونه‌ای غیرمستقیم تعهدات متقابل غرب در برابر روسیه در همین حوزه‌ها که با تحریکات با منشأ غربی شدیداً مورد مواجهه روسیه

دیدار آقای راسموسن از مسکو، اولین سفر دبیرکل جدید ناتو به روسیه در پی تیرگی‌های جنگ سردی ناشی از بحران گرجستان در روابط روسیه با ناتو می‌باشد. قبل از سفر دبیرکل ناتو، مسکو خواستار طرح مسائل افغانستان، برنامه هسته‌ای ایران و روند صلح خاورمیانه در این سفر گردیده بود. آقای راسموسن در این سفر با شخصیت‌های کلیدی روسیه به ویژه رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه روسیه دیدار داشت.

آقای راسموسن در سخنرانی خود در مؤسسه دولتی مطالعات روابط بین‌الملل مسکو (*Moscow State Institute of International Relations*)، ابراز عقیده می‌نماید که ناتو هرگز به روسیه حمله نخواهد کرد؛ به اضافه اینکه، فکر نمی‌کند روسیه نیز هیچ‌گاه به ناتو حمله کند. ما دیگر چنین نگرانی‌ای نداریم و روسیه هم نباید



می‌باشد را منوط به خدمات متقابل روسیه به ناتو در موارد مشابه می‌داند. وی تأکید می‌نماید که در چنین مسیری است که روسیه می‌تواند روی همکاری ناتو حساب کند. وی این همکاری مشترک را در قالب صیانت سازنده دوطرف از شهروندان خویش در مواجهه با خطرات، مؤثر برمی‌شمارد که باید جایگزین روح بدبینی حاکم بر روابط دهه‌های گذشته گردد.

آقای راسموسن برداشت روسیه از سیاست درب‌های باز ناتو را نادرست دانست. وی تأکید داشت که روسیه بایستی این سیاست را در قالب اصول روابط بین‌الملل، مبنی بر اینکه، هر کشور دارای حاکمیت ملی حق دارد سیاست امنیتی خود را تعیین نماید و متحدان دلخواه خود را انتخاب نماید، تفسیر نماید؛ امری که در روابط بین‌الملل بنیان حاکمیت ملی تلقی می‌گردد و از اصولی است که باید تقویت گردد. به همین دلیل است که در هنگام درخواست کشوری برای پیوستن به ناتو، توافق سایر اعضا نیز بایستی حاصل گردد. بنابراین، روسیه نباید این گونه تعبیر نماید که سیاست درب‌های باز ناتو به مفهوم جستجوی اعضای جدیدی برای ناتو ماورای مرزهای فعلی متحدان آن است و در نتیجه به این سوء تفاهم که سیاست درب‌های باز ناتو احاطه روسیه را هدف گرفته است دچار گردد.

اولین حوزه همکاری روسیه با ناتو، از نظر آقای راسموسن، افغانستان است. وی با اشاره به اینکه سربازان ناتو در مقابله با افراط‌گرایی، تروریسم و مواد مخدر جان خود را در افغانستان فدا می‌نمایند، هشدار می‌دهد که رها کردن این خطرات اشاعه آنها را به سمت آسیای مرکزی و نهایتاً روسیه در پی خواهد داشت و موجب پرداخت بهای سنگین تری از طرف روسیه می‌شود. لازم به ذکر است که روسیه قبلاً امکانات کمک‌رسانی‌های لجستیکی هوایی و

ریلی برای نیروهای ناتو را فراهم آورده است. به‌رغم اینکه اوپاما نیز در سفر اخیرش به مسکو مجوز ارسال نیرو و تجهیزات به افغانستان از طریق فضای روسیه را به‌دست آورد؛ با این وجود، به نظر می‌رسد این‌گونه تلاش‌های روسیه هنوز به حد کافی انتظارات ناتو را برآورده ننموده و ناتو به دنبال آن است که علاوه بر استفاده‌های بیشتر از مسکو در قالب ارسال سلاح به افغانستان از همین طریق، از تجربیات همه‌جانبه مسکو در دوران حضورش در افغانستان، به عنوان اتحاد جماهیر شوروی، نیز بهره‌مند گردد. در این راستا قابل توجه است که آقای راسموسن قبل از سفر به مسکو، در دانمارک به خبرنگاران گفته بود که انتقال تجهیزات نظامی ناتو از طریق روسیه و سهم بیشتر آن کشور در آموزش نیروهای افغانی را با میزبانان روسی خود به بحث خواهد گذاشت. موضوعی که از نگاه خبرگان، در متن خود، دربردارنده بهره‌گیری از کاربرد سلاح‌های روسی در افغانستان نیز باشد.

بنابراین، تأکید آقای راسموسن مبنی بر اینکه، افغانستان بایستی محور همکاری‌های روسیه و ناتو در سال 2010 باشد، ناظر به انتظارات فوق‌الذکر است. آقای راسموسن با اشاره به این که ناتو، آموزش نیروهای ارتش و پلیس افغانستان متعهد گردیده است، وظیفه ویژه‌ای را در خصوص آموزش نیروهای پلیس افغانستان، در سرزمین روسیه و تأمین تجهیزات مورد نیاز آنها به منظور مقابله و جلوگیری از هجوم سیل‌آسای مواد مخدر به مدارس و کوچه‌ها و شهرهای اروپا را که به فاجعه هلاکت بیش از یک‌صد هزار نفر در سال می‌انجامد، برای روسیه در این مشارکت راهبردی تعریف می‌نماید. وی چنین همکاری را منطبق با واقعیت روز دانسته و سه راهکار مشخص برای تحقق کامل آن ارائه می‌دهد:

1. توافق بر فهرستی از تهدیدات مشترک طرفین؛ در همان راستایی که (دوهفته قبل) چالش‌های مشترک امنیتی پیش روی ناتو و روسیه در قرن بیست‌ویکم و مقابله با تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتارجمعی، دزدی دریایی و خطر افغانستان را مورد بازنگری قرار دادیم و بر آنها توافق نمودیم.

2. شفاف‌سازی متقابل راهبرد و دکترین خویش. وی در این رابطه به فعالیت گروه کارشناسان به مدیریت خانم آلبرایت برای تهیه طرح پیشنهادی راهبرد جدید ناتو و برنامه سفر این گروه به مسکو در اوائل سال 2010 به منظور تبادل نظر با طرف‌های روسی و کسب اطلاع درباره دکترین نظامی جدید روسیه که برای ناتو اهمیت فراوانی دارد، اشاره کرد.

3. تقویت شورای ناتو-روسیه، به عنوان مرجع نهایی رسیدگی به خواسته‌های 29 کشور عضو؛ به گونه‌ای که شورا بتواند به راحتی کار خود را پیش ببرد و محل رسیدگی به مسائل مورد نظر اعضای آن باشد. وی ضمناً اشاره داشت که ظرفیت این شورا هنوز برای خیلی‌ها به ویژه روسیه شناخته نشده است و برای رفع این عدم شناخت، مراجعه به متن مورد توافق در سال 1997 و بیانیه نشست رم در سال 2002 را خاطرنشان ساخت و مدعی گردید که چنین مروری نشان خواهد داد که روسیه و ناتو دو شریک یکسان برای همکاری‌ها در نظر گرفته شده‌اند. غیرقابل تفکیک دانستن امنیت تمام کشورهای اروپا-آتلانتیک، توافق بر رایزنی سریع درباره هر خطری که استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و امنیتی هر یک از کشورهای عضو در شورا و بالاخره احترام به تعهدات مشترک از جمله چنین همکاری‌هایی است که به طور مساوی طرفین را شامل می‌گردد.

آقای راسموسن به پیشنهاد پیمان جدید امنیتی اروپایی توسط رئیس جمهور روسیه، آقای مدودف اشاره و ضمن قول طرح آن در شورای همکاری ناتو-روسیه بحث مقدماتی درباره آن در نشست سازمان امنیت و همکاری اروپا در دسامبر 2009 در آتن را مناسب دانست و در هر حال خواستار نگاه به دهه آینده، با ملاحظه واقعیات و نه توقف در دهه گذشته و غرق شدن در سوء تفاهات گردید. دبیرکل ناتو همکاری‌های امنیتی ناتو و روسیه را در قالب چشم‌انداز سال 2020 تعریف شده دانست. همکاری‌هایی که در قالب تبادل اطلاعات، مبارزه مشترک با تروریسم، قاچاق مواد مخدر؛ همکاری بین نیروی دریایی طرفین در مقابله با دزدان دریایی و بالاخره در قالب استقرار نیروهای روسی در کنار نیروهای ناتو به عنوان صلح‌بان سازمان ملل متحد تعریف شده است. وی اظهار امیدواری نمود که در راستای این همکاری‌ها به دفاع مشترک پیشرفته‌ای که ره‌آورد آن ایجاد یک سپر موشکی واقعی پیوسته برفراز اروپا-آتلانتیک خواهد بود نایل گردند.

تهیه و تدوین راهبرد جدید ناتو، که قرار است در پائیز 2010 در اجلاس سران ناتو نهایی گردد، به گروهی سیزده نفره از کارشناسان خبره تحت ریاست خانم آلبرایت واگذار شده‌است. ویژگی‌های این راهبرد حدود یک‌ماه قبل از سفر آقای راسموسن به مسکو، در پنجاهمین نشست مجمع پارلمانی ناتو که در ادینبورگ انگلستان تشکیل گردید مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در مقاله‌ای که آقای دکتر روب دویجک، کارشناس امور دفاع اروپایی و ناتو و مدیر مرکز مطالعات سیاسی و راهبردی لاهه، در 20 نوامبر 2009 و پس از نشست مجمع پارلمانی ناتو در ادینبورگ منتشر ساخت، از یک اختلاف نظر اساسی در میان اعضای ناتو در ارتباط با



روسیه پرده برداشت. در بخشی از این مقاله، وی خاطرنشان می‌سازد که: آمریکا و اروپای غربی بر دفاع در خارج قلمرو ناتو اصرار دارند در حالی که اروپای مرکزی و شرقی بر دفاع از قلمرو ناتو در مواجهه با تجاوز روسیه اصرار می‌ورزند. این اختلاف دیدگاه، تعبیر کاربردی از اصل پنجم پیمان ناتو در تدوین راهبرد جدید را موضوعی مناقشه‌آمیز ساخته است. در حالی که گروهی از کشورهای عضو بر دفاع جمعی اصرار می‌ورزند، همکاری‌های امنیتی مورد تأکید گروهی دیگر است. آنچه از مقاله آقای دویچک برمی‌آید این است که مسائل مورد مواجهه آمریکا در افغانستان، آمریکا را به اعمال نفوذ در تدوین راهبرد ویژه در قبال روسیه واداشته است که با اهداف تعریف شده اولیه ناتو هم‌خوانی چندانی ندارد. سخنان

فوق‌الذکر آقای راسموسن، دبیر کل ناتو را می‌توان در راستای پیشبرد استراتژی جدید مورد حمایت آمریکا برای روابط ناتو با روسیه تفسیر کرد. در یک تحلیل دیگر در قالب راهبرد کلان "محور و پیرامون"، می‌توان گفت: تعریف کلان-راهبرد آمریکا برای روسیه، این است که روسیه به عنوان قطب یک زیرمجموعه وظایف دفاعی ویژه‌ای را در کنار ناتو به عنوان زیرمجموعه‌ای دیگر عهده‌دار گردد. بنابراین می‌توان منظور آقای راسموسن از شراکت راهبردی ناتو و روسیه را در قالب پیشبرد چنین راهبردی تفسیر کرد.

محمد گنجی دوست

مرکز مطالعات استراتژیک